

## زنان کارگر در راه مصافی سرنوشت ساز!

جنبش سال ۸۸ مردم ایران، علیرغم تلاشهای اصلاح طلبان و لیبرالها برای محدود کردن آن در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی با حفظ اصل ولایت فقیه، نماد هائی رادیکال بر پرچم خود نهاد که بازتاب مطالبات و نیروهای محرکه آن بودند. از آن میان زنان و جوانان صحنه های حماسی آفریدند که تصویر هایش هنوز هم در موج دوم خیزش مردمی برسر دست هاست. در سال ۸۸، زنان و دختران جوان ایرانی با رزمندگی شگفت انگیز و با شعارهایی ساختار شکنانه به خیابانها آمدند تا بلکه بساط سی و اند ساله این سیستم اسلامی تعدی، سنگسار و بی حقوقی را بروبند و در این میان به پیکارهای جانانه ای دست یازیدند. همگان شاهد بودیم که با چه رشادت و دلیری با نیروهای سرکوبگر درگیر شدند، جنگیدند، سینه شان آماج گلوله گشت، زندانی و شکنجه و اعدام شدند ولی سر تسلیم فرود نیاوردند. جنبش زنان آنجا که تحت نفوذ اندیشه های لیبرالی چون کمپین یک میلیون امضا و رهبرانی چون عبادی و رهنورد درکار اصلاح و بزرگ قانون اساسی، از دست بردن به ریشه ها و امانده بود، در خیابان ها بخشا نیروی خود را باز یافت. همراه با همه مردم شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر استبداد را فریاد کرد و اهداف و شعارهای محدود اصلاح طلبان دولتی و لیبرالها را پشت سر نهاد و به شهادت میدیای جهانی به پای دائمی اعتراضات و تظاهرات ضد دیکتاتوری مبدل گشت. حتی پس از فروکش موج اول مبارزات مردمی، دیدیم که زنان دانشجو مسئولیت بزرگی در تداوم جنبش بر عهده گرفته، بر لزوم سازمان یابی گرد استراتژی سوسیالیستی جنبش کارگری پای فشرده و تعمیق جنبش عمومی مردم را در گرو عروج جنبش کارگری دانستند.

در طی سی سال جهنم جمهوری اسلامی اما، محرومیت زنان از دسترسی به مشاغل دوچندان شد؛ زنان کارگر به خانه ها رانده شدند تا بهره کشی مضاعف از قطعه کاری، کار بی ثبات و کار ناامن در خانه ها در کنار کارخانگی، فارغ از دغدغه های همان قانون کار نیم بند اسلامی به شیوه غالب کار زنان کارگر تبدیل گردد، تن فروشی دختران تازه بالغ را رواج دهد و کودکان خیابانی، کارتن خوابها و اعتیاد را گسترده تر سازد. چنین اوضاعی نمیتوانست دوام آورد. با قطع رایانه ها آخرین ضربات تیشه نیز فرود آمد.

اکنون در فراخنای زمانی ایستاده ایم که در سراسر دنیا مردم، کارگران و تهیدستان به جان آمده از بیکاری و گرسنگی و استبداد و خفقان، خیابانها را از خشم و خروش و طغیان خود آکنده اند. امواج سهمگین جنبشهای انقلابی مرزها را در نور دیده و هر روز برتوش و توان آن افزوده جان آمده از ذلت و فقر و فاقه لرزه بر دستگاه میگردد. فریاد مردم، کارگران و تهیدستان به حاکمان افکنده است. زنان کارگر و زحمتکش شانه های خمیده از بار بحران را بر می افزازند تا به فلاکت ناشی از سیاستهای نئولیبرالی، نه بگویند! در مصر جنبش زنان کارگر و حاشیه نشین شهری، آغازگر و بخش مهمی از نیروی اعتراضات بوده. جنبش افزایش دستمزدها در بنگلادش را میلیونها زن کارگر به راه انداختند.

در ایران نیز، دور جدید مبارزات مردمی به طرزی نمایان مرکز ثقل جنبش را به محله های

کارگری تغییر داده است. اکنون صدای گام های انقلاب از کوچه های رودکی، جیحون و نواب، میدان امام حسین و محله های کارگر نشین شرق تهران، به گوش می رسد! تغییر جغرافیای مبارزات خیابانی، نشان از دگرگونی طبقاتی اعتراضات خیابانی و سنگین تر شدن وزنه کارگری آن دارد که نتیجه فوری اش، تعمیق جنبش سیاسی و اجتماعی و سپس به میدان آمدن کل طبقه کارگر با سلاح اعتصاب برای رقم زدن به سرنوشت جمهوری اسلامی است.

تحقق خواسته های زنان کارگر و زحمتکش به شدت با قوام گرفتن، تداوم و پیروزی این جنبش گره خورده است. در عین حال به گواهی تاریخ مبارزه طبقاتی درجهان، آنان پیگیرترین مبارزین راه کسب نان، آزادی و کار بوده اند. تجربه قیام ۵۷، می بایست یادآور زنان زحمتکش توانا و مدبری باشد که شوراهای محلات کارگری چون دولت آباد، موسی آباد، نازی آباد و... را تشکیل دادند و مسئولیت اداره آن ها را به عهده گرفتند. اکنون یکی از فوری ترین وظایف همه سوسیالیست ها و فعالین کارگری کمک به سازمانیابی زنان کارگر، کمک به فرموله کردن خواسته های اقتصادی و سیاسی آنان و رفع موانع شرکت همه جانبه شان در جنبشی است که فرصتی تاریخی برای سرنوشت جمهوری اسلامی فراهم کرده. زنان کارگر و تهیدست از صاحبان این جنبش اند؛ جنبشی که بیشترین منافع حاصل از نابودی سیستم سرمایه و سرمایه داران را نصیب آنان خواهد کرد و آزادی، نان و کار برای همه کارگران و تهیدستان را تامین خواهد نمود.

**زنده باد آزادی! زنده باد انقلاب!**

**سرنگون باد جمهوری اسلامی!**

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی

۸ اسفند ۱۳۸۹ - ۲۷ فوریه ۲۰۱۱